

آن سوی تاریخ  
تاریخ بدون مرز و نژاد و ملی



می‌شود: جنگ، تفریح‌های عجیبی خلق می‌کند. در جولای ۱۹۴۵ در جزیره‌ی تینیان در شمال اقیانوس آرام، کاپیتان فرانک ژانوری عادت داشت توده‌ای از سنگ‌ریزه را روی قلّه‌ی کوه لاسو انباشته کند - یک سنگ‌ریزه برای پرواز هواپیمای B-26، یک توده سنگ برای هر مأموریت - بزرگ‌ترین توده سنگ شامل چهارصد سنگ‌ریزه بود. این کار سرگرمی نابخردانه‌ای بود، اما بازی پوکر هم دست کمی از آن ندارد.

چنین به نظر می‌رسد که صفحات اول ماجراهای داستانی کاپیتان ژانوری، پس‌زمینه‌ی غیر داستانی داشته باشد زیرا زمینه‌ی داستان، به طرز میهم، با آگاهی خواننده در مورد ماه‌های پایانی جنگ جهانی دوم و آمادگی نیروهای امریکایی مستقر در اقیانوس آرام برای بمباران اتمی ژاپن، تلفیق می‌شود. اما هنگامی که ژانوری وحشت‌زده به هواپیمایی که دچار دردسر شده خیره می‌شود، به لحظه‌ی دیدنی بدیل نزدیک می‌شویم:

«شاید او (خلبان هواپیما) قصد داشت تا در باند کوچک واقع در نیمه‌ی جنوبی جزیره فرود آید. اما تینیان خیلی کوچک و هواپیما بیش از حد بزرگ بود... هواپیما در میان شعله‌های آتش منفجر شد. صدای انفجار شدید نشان‌دهنده‌ی آن بود که هیچ‌یک از افراد داخل هواپیما زنده نمانده است... اسکولز (خلبان هواپیما) به زمین مخابره کرده بود که قصد دارد نام مادرش را روی این هواپیما بگذارد. او می‌خواست نام هواپیما انولاگی<sup>۳</sup> باشد».

سقوط هواپیمای انولاگی، لحظه‌ی بدیل داستان و محل انشعاب مسیر و نشانه‌ای است از این‌که حمله‌ی موفقیت‌آمیز داستان تاریخی نیست بلکه بدیل تاریخ است.

در تاریخی که می‌شناسیم - و بسیاری از خواننده‌های تاریخ بدیل آن را «دوره‌ی زمانی ما» می‌نامند - انولاگی هواپیمایی بود که بمب‌اتم را بر هیروشیما انداخته است. واضح است که حدوث

«تاریخ بدیل»<sup>۱</sup> - یا به عقیده دستور نویسان و سواسی (تاریخ بدل)<sup>۲</sup> - عنوانی نادرست ولی رایج برای بخشی کوچک و در عین حال جذابی از ادبیات است. تاریخ بدیل به هیچ عنوان تاریخ نیست، بلکه داستانی است که در آن، تاریخی که ما می‌شناسیم به منظور ایجاد جلوه‌های نمایشی و کنایی تغییر داده می‌شود.

تاریخ بدیل اغلب لحظه‌ی انحراف از تاریخ مکتوب و همچنین پیامدهای آن را به تصور می‌کشد. ممکن است چنین داستانی در ابتدا همچون یک داستان تاریخی سنتی جلوه کند که در آن، شخصیت و حوادث خلق شده به روی صفحه‌ی شناخته‌شده نقش می‌بندند، اما تفاوت‌ها خیلی سریع و در همان صفحات نخست ظاهر می‌شوند.

حمله‌ی موفقیت‌آمیز نوشته‌ی کیم استنلی رابینسون (۱۹۸۴) نوشته‌ای است از این دست، داستان این‌گونه آغاز

<sup>۳</sup> نام هواپیمایی که در جنگ جهانی دوم نخستین بمب‌اتمی را بر هیروشیما زاین انداخت - م.

هستند و اصول مذهب کاتولیک در سراسر کشور نه تنها توسط کشیش‌ها بلکه توسط سربازان و مفتش‌های مذهبی با تعصب و جدیت اعمال می‌شود.

انجمن‌های تجاری قرون وسطایی اقتصاد را در دست دارند و پایتخت هنوز هم به نام «لندن‌یوم» شناخته می‌شود. در دوره‌ی زمانی علامت‌دهنده، خواننده کم‌کم متوجه می‌شود که نیروی دریایی اسپانیا در ۱۵۸۸ و به دستور پاپ، انگلستان را فتح کرده که این امر نه تنها به اصلاحات در انگلستان بلکه به رنسانس منجر می‌شود.

رابرتز بعدها علامت‌دهنده را در *رمان پاورن*<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) می‌گنجاند که بسیاری معتقدند بهترین رمان تاریخ بدیل است.

شکی نیست که *حمله‌ی موفقیت‌آمیز و علامت‌دهنده* در زمره‌ی تاریخ بدیل به‌شمار می‌آیند، اما این‌که این دو رمان جزو رمان‌های علمی تخیلی هم به‌شمار می‌آیند جای بحث است. بسیاری از نویسندگان رمان‌های علمی تخیلی، [رمان‌های] تاریخ بدیل هم نوشته‌اند و بسیاری از روزنامه‌های علمی تخیلی و مؤسسات انتشاراتی آن‌ها را چاپ کرده‌اند، اما بسیاری از آثار تاریخ بدیل خارج از این ژانر به چاپ رسیده‌اند. به‌یقین، شمار روزافزون دانشمندان علوم اجتماعی که در مجلات و ژین دانشگاهی به چاپ مقالات خلاف واقعیت<sup>۴</sup> از قبیل *تجربه‌های فکری خلاف واقعیت در سیاست جهان*<sup>۵</sup> ویراسته‌ی فیلیپ ای. تتلاک<sup>۶</sup> و آون بلیکین<sup>۷</sup> نوشته‌شده است، در ارتقا جایگاه نویسندگان امریکایی که رمان‌های علمی تخیلی و فانتزی می‌نویسند کمکی نکرده است. با این حال، جان دابلیو کمپبل جونیور، ویراستار کارکشته‌ی داستان‌های شگفت‌انگیز که تأثیر به‌سزایی در توسعه‌ی ژانر علمی تخیلی در امریکا داشته، عقیده دارد داستان‌هایی که به‌چاپ رسانده تجربه‌های فکری بوده‌اند. همچنین وقتی که نیال فرگوسن تاریخ‌دان مجله‌ی نیویورک تایمز می‌گوید: «نویسندگان خلاف واقعیت سعی دارند طبیعت آشفته‌ی تجربه‌ها را در خاطره‌ها زنده کنند و نشان دهند که هیچ نتیجه‌ی خاصی از آن حاصل نمی‌شود» همچون نویسنده‌ی آثار

چنین امری در دوره‌ی زمانی ژانوری محال بوده است. در عوض، مأموریت بمباران به کاپیتان ژانوری و خدمه‌اش محول می‌شود که سوار بر هواپیمایی می‌شوند که «حمله‌ی موفقیت‌آمیز» نام دارد.

اکنون خواننده که به سمت «مسیر ناشناخته» هدایت شده، نه تنها در مورد سرنوشت کاپیتان ژانوری، بلکه درباره‌ی فرجام بمب، هیروشیما، جنگ و جهان در حالت تعلیق قرار می‌گیرد.

تاریخ بدیل نه تنها توجه خواننده را به چگونگی تغییر و بسط شخصیت‌های اصلی سوق می‌دهد بلکه تغییر و بسط دنیای آن‌ها را نیز بررسی می‌کند. با این حال، آثار تاریخ بدیل همیشه هم لحظه‌ی انحراف [از تاریخ] را به تصویر نمی‌کشند. در اغلب موارد، داستان یا رمان سال‌ها پس از رخ دادن آن لحظه شروع می‌شود، خواننده ناگهان خود را در جهانی متفاوت می‌یابد تا آن‌جا که نه تنها از کشف حوادث آتی بلکه از درک حوادثی که قبلاً رخ داده است لذت می‌برد تا این «دنیای متفاوت» را آن‌طور که هست بفهمد. نمونه‌ای از این مورد، *علامت‌دهنده* نوشته‌ی کیت رابرتز (۱۹۶۶) است که در آن، راف بیگلند جوان ساعت‌ها روی چمن دراز می‌کشد و نظاره‌گر پیام‌هایی می‌شود که پست‌های مخابره‌ی پیام توسط پرچم ارسال می‌کنند.

«خیلی بلند بود، از روی میله‌ای که در نوک تپه قرار داشت؛ صدای تق‌تق ناشی از به‌هم خوردن چوب‌ها، زیر آسمان آبی از فاصله‌ی دور شنیده می‌شد... شک نداشت که این صداها حامل پیام‌های خاصی هستند، نجوا می‌کردند و به ارسال و دریافت پیام از خطوط مرزی دیگر مشغول بودند، خطوط مرزی بزرگی که در سراسر انگلستان، هر طرف که فکر می‌کردی و تا هر جا که چشم کار می‌کرد، امتداد داشتند».

این داستان کارآموزی راف در رسته‌ی علامت‌دهنده‌ها و اتفاق‌هایی را که برای او رخ می‌دهد به تصویر می‌کشد، اما در عین حال انگلستان عجیبی را در قرن بیستم به خواننده معرفی می‌کند. ارتباط سریع از راه دور فقط از طریق ارسال پیام توسط پرچم میسر است چون دستگاه بی‌سیم وجود ندارد. کلیسا و دولت یکی

علمی تخیلی جلوه می‌کند. هم رمان‌های علمی تخیلی و هم تاریخ بدیل، آثار ادبی‌ای به‌شمار می‌آیند که دربرگیرنده‌ی تغییر، احتمالات و عدم قطعیت هستند. هری ترلدف مشهورترین نویسنده‌ی معاصر تاریخ بدیل که اتفاقاً یکی از اعضای برجسته‌ی SFWA هم هست، از رابطه‌ی بین این دو ژانر صحبت می‌کند: «پذیرفتن انفصال از تاریخ در نوشته‌های تاریخ بدیل تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه که به عقیده‌ی من، جذابیت بیشتری دارد این است که تصور کنیم از این تغییر مطرح شده چه چیزی حاصل می‌شود. این روی سکه است که نوشته‌های علمی تخیلی و تاریخ بدیل را به هم پیوند می‌دهد. هر دو ژانر به‌طور منطقی پیش‌بینی می‌کنند که در جهانی که ما می‌شناسیم، تغییراتی رخ می‌دهد. اغلب کارهای علمی تخیلی، تغییری را در حال و آینده‌ی نزدیک فرض می‌کنند و تأثیرات آن را بر آینده‌ی دور حدس می‌زنند. ولی از طرفی دیگر، تاریخ بدیل تغییری را در گذشته‌ی دور تصور می‌کند و پیامدهای آن را بر گذشته‌ی نزدیک‌تر و یا حال مورد آزمایش قرار می‌دهد. هر دو مورد از یک تکنیک بهره می‌گیرند، تفاوت در این جاست که در چه مقطعی از زمان آن را به کار ببندیم. می‌توان نوشته‌های تاریخ بدیل از قبیل *حمله‌ی موفقیت‌آمیز و علامت‌دهنده* را که حامل تصویر لحظه‌ی تغییر و یا عواقب آن لحظه هستند، تاریخ بدیل محض یا اساسی بنامیم. بعضی از نمونه‌های تاریخ بدیل آشوب‌های خونین و پرهرج و مرجی را در تاریخی که می‌شناسیم نمایش می‌دهند. *کشته‌های انقلاب* نوشته‌ی پت کادیگان (۱۹۹۱) که مجموعه نوشته‌هایی در چند بخش مجزا هستند نگاهی دارد به نشست ملی حزب دموکرات در شیکاگو. در دوره‌ی زمانی این داستان، رئیس‌جمهور لیسن‌جانسون و تمامی کاندیداهای حزب دموکرات به قتل می‌رسند، حکومت نظامی اعلام می‌شود و انتخابات هرگز برگزار نمی‌شود و سی سال بعد از آن، دیگر اثری از حقوق مدنی وجود ندارد. هر بخش با داشتن عنوانی آشکار قصد دارد بالارائه‌ی مدرک به بیان مطلبی بپردازد.

طی سومین جنگ جنوب آمریکا (سیزدهم اکتبر سال ۱۹۹۸)

در اتاق یک هتل ارزان قیمت در اکوادور که نیروهای اشغالگر امریکایی با دستپاچگی آن‌جا را تخلیه کرده بودند، اسنادی پیدا شد. جزایر تابستانی نوشته‌ی یان آرمک لیود در بریتانیایی اتفاق می‌افتد که پس از شکست در جنگ جهانی اول به دیکتاتوری فاشیستی تبدیل شده، بریتانیایی که در حال جابه‌جایی یهودیان انگلیسی در اتاقک حمل حیوانات چهارپا به مقصدی بدشگون است. قهرمان داستان مک لیورد، نجیب‌زاده‌ای اهل آکسفورد، که روزگار خوبی ندارد و روزهای پایانی عمرش را طی می‌کند، در حالی که برای عشق از دست‌رفته‌اش به سوگ نشسته، مصمم است تا برای آخرین بار دست به اعتراضی بزند که احتمالاً هیچ نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. این قهرمان شبیه به قهرمان یک داستان ضدفاشیستی دیگر در بریتانیا یعنی ۱۹۸۴ جورج اورول است.

ولی نمونه‌های دیگر تاریخ بدیل طنزآمیزترند و بیشتر بر جنبه‌های آرام‌تر و گهگاه طنزگونه‌ی بدیل‌ها تأکید می‌کنند. کم‌دی *آیک کوچولوی خواننده*\* نوشته‌ی هوارد و آلرینس جمهور آمریکا آیزنهاور و جورج اسمیت پیتون یکی از افسران ارتش آمریکا) را به‌عنوان نوازنده‌های معروف جاز و الویس پرسلی<sup>۸</sup> را به‌عنوان سناتور امریکایی معرفی می‌کند. در *ناشناخته*<sup>۹</sup> نوشته‌ی ویلیام ساندرز<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۷) یک نویسنده‌ی مشهور دوره‌ی الیزابت تصمیم می‌گیرد به دنیای جدید سفر کند تا بقیه‌ی عمر خود را در میان چیروکی‌ها<sup>۱۱</sup> بگذرانند، جایی که «تکان‌دهنده‌ی زوبین» [نام سرخ‌پوستی شخصیت پس از رفتن به میان سرخ‌پوست‌ها - م.] به‌راستی نمایشنامه‌ی میان فرهنگی تمام عیاری می‌نویسد. روزی روزگاری یک فرمانده‌ی جنگ توسط برادرش به قتل می‌رسد. امتیاز نوشته‌ی جان کسل (۱۹۳۳) داستان مسابقات نهایی بیس‌بال بین یک گوی‌انداز مشهور و یک چوگان‌زن همیشه بازنده است. این دو بازیکن فیدل کاسترو<sup>۱۱</sup> و جورج بوش پدر<sup>۱۲</sup> هستند که در

\* Ike at the Mike آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا و برادرهای بزرگ‌ترش همگی در منزل آیک نامیده می‌شدند و خود آیزنهاور را آیک کوچولو می‌نامیدند.

\*\* Cherokees، یک قبیله سرخپوستی در آمریکا

هرگز از خاطره‌ی تسلیم تحقیرآمیز خود به نیروهای اتحاد جنوب در سال ۱۸۶۴ رهایی نمی‌یابد. هاج مضطرب با سربازان خشمگین انجمن سربازان شمالی (که اکنون یک گروه تروریستی هستند) همدست نمی‌شود بلکه با یک دیپلمات اهل هائیتی طرح دوستی می‌ریزد، چند رابطه‌ی عشقی زجرآور را تجربه می‌کند و در نهایت به جمع محققان طرفدار اصلاحات ارضی پناه می‌برد. این رمان در میان آثار تاریخ بدیل به لحاظ داشتن سبک روایی اندوهناک و ساختگی‌اش و همچنین شهوت‌گرایی زیاد، اثری غیرمعمول به‌شمار می‌آید.

**جشن سالگرد را به پاکن تا حدودی یک داستان سفر زمان** به‌شمار می‌آید چندان غیرمعمول به‌نظر نمی‌رسد. بسیاری از آثار تاریخ بدیل، دوره‌ی زمانی واقعی و ساختگی را از طریق قطع یکی توسط دیگری و به‌وسیله‌ی بعضی مکانیزم‌های ژانر علمی تخیلی که رایج‌ترین آن سفر به زمان است، مقایسه می‌کنند. نمونه‌ی اول این‌گونه آثار، کتاب *یک امریکایی اهل کنتیکت در دربار پادشاه آرتور* نوشته‌ی مارک تواین (۱۸۸۹) است که در آن، شخصیت فعال داستان کاملوت<sup>۱۷</sup> است و به مدرن‌سازی آن محل می‌پردازد. مرلین<sup>۱۸</sup> یک شیاد و راج نشان داده می‌شود که شوالیه‌ها را تشویق می‌کند تا به جای اسب از دوچرخه استفاده کنند و اقتصاد صنعتی بر پایه‌ی کارخانه و برق به راه می‌اندازد. با این حال، تمامی این دخالت‌ها به تباهی و کشتار می‌انجامد. وقتی این امریکایی در پیش‌گفتار و مؤخره‌ی کوتاه این رمان به‌شرح داستان خود برای مارک تواین مشهور، در انگلستان عصر ویکتوریا می‌پردازد، به این اشاره می‌شود که این رویداد ناگوار در عصر پادشاه آرتور-به فرض این‌که واقعاً اتفاق افتاده باشد و توهّمات ساخته و پرداخته‌ی ذهن این امریکایی نبوده نباشد - اختلال بلندمدتی در خط زمان ایجاد نکرده است. اما این رمان به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی گذشته‌ای است که با وجود تغییرات، وخیم‌تر شده و نمونه‌ی تمام‌عیار ژانر تاریخ بدیل است.

• Hugo Award جایزه‌ای که هر ساله به بهترین آثار علمی تخیلی اهدا می‌شود.

این دوره‌ی زمانی، سیاست را به‌خاطر بیس‌بال، حداقل موقتاً، رها کرده بودند زیرا که برادر کاسترو و جورج بوش، مانند مظاهر سیری‌ناپذیر خود تاریخ، نقشه‌های جاه‌طلبانه‌ی دیگری برای این مردان جوان دارند. *دان بنگز*<sup>۱۳</sup> نوشته‌ی بروم استرلینگ<sup>۱۴</sup> به بیان زندگی دو قهرمان حقیقی ضدفرهنگ [غالب] امریکایی، دان سیدا و مستقد موسیقی راک، لستر بنگز می‌پردازد و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا عاشق یکدیگر شده، با هم ازدواج کنند و خیلی پیش‌تر از آن‌چه که زمانه برای‌شان تعیین کرده به زندگی ادامه دهند.

شاید ظریف‌ترین داستان تاریخ بدیل اثری دیگر از جان کاسل، به‌نام *بوفالو* باشد که بیانگر لحظه‌ای کوتاه و اندوهبار از ملاقات بین پدر کاسل، طرفدار پرشور اچ. پی. ولز از یک‌سو و خود ولز بزرگ از سوی دیگر است: داستان رویارویی آن‌ها جسورانه آغاز می‌شود ولی هرگز به‌وقوع نمی‌پیوندد.

با این وجود اکثر آثار تاریخ بدیل برای بیان مقیاس‌های وسیع‌تری به‌کار گرفته می‌شوند و می‌کوشند جوامع زشت و «ضدآرمان شهرها»یی را که احتمالاً وجود داشته به‌تصویر کشند. بنابراین دو سؤال پرجاذبه که بسیاری از آثار تاریخ بدیل در مورد آن‌ها نوشته شده این دو هستند: چه می‌شد اگر هیتلر پیروز می‌شد؟ و چه می‌شد اگر اتحاد ایالت‌های جنوبی به پیروزی می‌انجامید؟

بهترین‌های هر دو عرصه‌ی فوق در اواسط قرن نوشته شدند. *مردی در قلعه‌ی مرتفع*<sup>۱۵</sup> نوشته‌ی فیلیپ کی دیک (۱۹۶۱) برنده جایزه هوگو\* نمونه‌ای کامل از ارزیابی خردمندانه مردم عامه امریکا است. محور اصلی داستان درباره‌ی یک دلال مرموز عتیقه، یک مربی جودو و یک راننده کامیون است که در ساحل غربی که در اشغال ژاپنی‌هاست زندگی می‌کنند (ساحل شرقی در تصرف آلمانی‌هاست). مطابق معمول در رمان‌های دیک، حقیقت این دنیای بدیل زیر سؤال می‌رود و البته بعد از آن، واقعیت خودمان نیز به پرسش گرفته می‌شود. *جشن سالگرد را به پاکن* نوشته‌ی وارد مور (۱۹۵۳) در مورد جوانی به‌نام هاج بک میک<sup>۱۶</sup> است که در اقتصاد آشفته‌ی دهه ۱۹۴۰ امریکا هیچ آمیدی به پیشرفت ندارد و

بعد از شخصیت امریکایی داستان تواین، مسافران بی‌شماری به گذشته سفر کرده‌اند تا آگاهانه یا ناآگاهانه مسیر تاریخ را با موفقیت یا بدون موفقیت تغییر دهند. به عنوان مثال، در *مباد* تاریکی بیاید<sup>۱۹</sup> نوشته‌ی آل اسپراگ دی کمپ<sup>۲۰</sup> وقتی که باستان‌شناس خیره‌ی قرن بیستم، مارتین پادوی، خود را در روم قرن ششم می‌یابد به معرفی ماشین چاپ، ارقام عربی و ستاره‌شناسی کوپرنیکی می‌پردازد تا در تلاشی موفق از ظهور قرون وسطی جلوگیری کند. رمان دی کمپ به خاطر نتیجه‌گیری مناسب که دارای ابهام کم‌تری است، بسیار موفق‌تر از رمان تواین می‌نماید:

سیستم تلگرافی مخبره‌ی خبر از طریق پرچم در سرتاسر ایتالیا رایج بود، و اگر او وقتی را که برای انجام آزمایش‌هایش لازم داشت به دست می‌آورد این سیستم جایش را به تلگراف الکتریکی واقعی می‌داد. سیستم پست نامه‌های عمومی برقرار می‌شد، ماشین‌های چاپی موجود در فلورانس، روم و ناپل، کتاب، جزوه و روزنامه چاپ می‌کردند. اگر برای او اتفاقی هم می‌افتاد این کارها ادامه داده می‌شدند و آن‌قدر ریشه می‌دواندند تا در صورت بروز حادثه‌ای نابود نشوند. بدون شک تاریخ تغییر می‌کرد و تاریکی [اشاره به قرون وسطی - م.] نمی‌آمد.

یکی از داستان‌های اخیر (موتزارت در سایبان آینه‌ای) نوشته‌ی لوئین شانیز و بروس استرلینگ (۱۹۸۵) را می‌توان نوشته‌ای در راستای سنت دیرینه‌ی دستکاری گذشته توسط مسافرین زمان دانست. در این داستان، تاجران پی می‌برند که می‌توانند گذشته را تغییر دهند بدون آن‌که در خط زمانی خود از پیامدهای آن متضرر شوند. آن‌ها تا جایی پیش می‌روند که به غارت اموال می‌پردازند، پیشینان خود را فریب و به آن‌ها رشوه می‌دهند و در خلال این فرآیند، تاریخ‌های بدیل را یکی پس از دیگری خلق و از آن بهره‌برداری کرده و سپس مانند لیوان‌های کاغذی دورشان می‌اندازند. رایس، برای سرگرمی قهرمان داستان، می‌گوید: «کسی برای پروژه‌ی سفر زمان ثبت‌نام نمی‌کند مگر این‌که عدم تجانس را دوست داشته باشد». آفرینندگان رایس با

جمله‌هایی این‌چنینی این علاقه را ارضاء می‌کنند: «ماری آنتوانت روی اطلسی صورتی رختخواب دراز کشید. در حالی که لباسی از تور سیاه به تن داشت و یکی از مجله‌های وُگ را ورق می‌زد».

اگرچه سفر زمان رایج‌ترین سازوکار علمی‌تخیلی جهت عقلانی جلوه دادن تاریخ بدیل است، مکانیزم‌های دیگری نیز برای بیان این امر وجود دارند. بسیاری از نویسندگان داستان‌ها و رمان‌ها فرض می‌کنند که همزمان با تاریخ‌های بدیل بیش از یک دنیای موازی،<sup>۲۱</sup> می‌تواند وجود داشته باشد تا این‌که شخصیت‌ها قادر باشند هدفمندانه و یا از روی تصادف سفر کنند یا مانند مسافری که قطارش را عوض می‌کند از یک دوره‌ی زمانی به دوره‌ی زمانی دیگر گذر می‌کند.<sup>۲۲</sup>

به عنوان مثال او اطراف اسب‌ها قدم زد نوشته‌ی اچ بیم پایپر از یک لغزش زمانی بهره می‌برد تا حادثه‌ی واقعی مرمریزی را که در پیشگفتار داستان به طور خلاصه آمده، توصیف کند:

در نوامبر ۱۸۰۹ مردی انگلیسی به نام بنجامین باترست به طور غیرقابل توصیفی ناپدید می‌شود. او از وین به هامبورگ می‌رفت تا به عنوان فرستاده‌ی دولت در دربار امپراطوری اتریش که ناپلئون از آن دست کشیده بود، انجام وظیفه کند. در مسافرخانه‌ای در پرلبرگ در کشور پروس، هنگام بازرسی اسب‌هایی که قرار بود با اسب‌های کالسکه‌اش تعویض کند، به طور اتفاقی از دید منشی و نوکرش ناپدید شد. کسی ندیده بود که او محوطه‌ی مهمانخانه را ترک کند و بعد از آن هم دیگر، حداقل در این مجموعه کسی او را نیافت.

داستان با نام‌هایی که بین مأموران اداری سردرگم رد و بدل می‌شود ادامه می‌یابد و مشخص می‌شود که باترست در طرف دیگر اسب‌ها به زمان دیگری، اروپای ۱۸۰۹، گذر کرده است. به زمانی که در آن، انقلاب امریکا با شکست مواجه شده و انقلاب فرانسه هرگز تحقق نمی‌یابد و سلطنت فرانسه را در جای خود حفظ می‌کند و فرمانده‌ی فرومایه و در عین حال زیرک توپخانه ناپلئون به او وفادار می‌ماند. باترست سرگردان روزهای بدی را پشت سر می‌گذارد و ظهور عجیب او در آن دوره‌ی زمانی و

هوارد والدروپ (۱۹۹۸) سه زندگی متفاوت را برای چارلز لیندبرگ، فرزند خلبان مشهور سرتاسر اقیانوس اطلس، در نظر می‌گیرد. در یکی از آن‌ها، او فضانورد آپولو، در دیگری هنرمند پیش‌کسوت موسیقی پاپ و در یکی دیگر آدمی سنت‌گریز است که در شهرکی کوچک زندگی می‌کند و به‌دست فراموشی سپرده شده. این داستان‌ها از طریق تصاویری که به‌هم مربوط می‌شوند به خواننده می‌فهماند که چارلز لیندبرگ در زمانه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، هنگامی که یک کودک نوپا بوده در یک ماجرای ناشایسته‌ی آدم‌ربایی کشته می‌شود. مجموعه‌ی این چهار داستان موازی با یکدیگر که به تنهایی اهمیت ندارند بسیار تأثیربرانگیز است و عنوان جامع داستان، خواننده را برای یافتن معنایی وسیع‌تر تشویق می‌کند. بسیاری از نویسندگان آثار تاریخ بدیل، با بهره‌گیری از محبوبیت روزافزون ژانرهای علمی تخیلی و فانتزی در میان خوانندگان، تعدادی از عناصر این ژانر را، از ازدها گرفته تا سفر فضایی، در رمان‌های خود وارد می‌کنند؛ طوری که بعضی از آن‌ها به چندین جلد کتاب تبدیل می‌شوند. در کتاب چهار جلدی جنگ جهانی نوشته‌ی هری ترلدوف (۶-۱۹۹۴)، جنگ جهانی دوم توسط مهاجمین بیگانه که مجهز به سلاح‌های اتمی هستند متوقف می‌شود؛ دول محور و نیروهای متفقین بایستی با هم متحد شوند تا با این تهدید مشترک مبارزه کنند. سری کتاب‌های چهار جلدی *داستان‌های آلون میکور*<sup>۲۷</sup> نوشته‌ی ارسون اسکات کارد با داستان رودخانه‌ی هترک (۱۹۸۶)، برنده‌ی جایزه‌ی جهانی آثار فانتزی، شروع می‌شود و در رمان *پس‌هفتم* (۱۹۸۷) تعداد زیادی از اروپایی‌ها هنگامی که به‌سبب داشتن نیروهای خارق‌العاده مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند، با استعداد‌های جادویی‌شان به مرزهای مهاجرنشین آمریکا سفر می‌کنند تا با جادوگری مردم بومی آن سرزمین مبارزه کنند.

علی‌رغم رونق سینمای علمی تخیلی پس از جنگ ستارگان (۱۹۷۷) و محبوبیت در حال گسترش فیلم‌هایی که دارای پیش‌زمینه‌های تاریخی (یا حداقل شبه‌تاریخی) هستند، از قبیل *گلادیاتور* (۲۰۰۰)، به‌نظر می‌رسد که فیلم‌سازان به تاریخ بدیل علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. در این خصوص یک استثناء وجود

ناپایداری او از این دوره همچنان یک معما باقی می‌ماند.

نویسندگان دیگر [آثار] تخیلی از طریق *گذر زمانی* در مقیاس‌های بزرگ‌تری که دربرگیرنده‌ی شمار زیادی از افراد است و نه فقط یک نفر، شخصیت‌های فراوانی همچون باتریست خلق می‌کنند. به‌عنوان مثال در *به موازات زمان*<sup>۲۳</sup> نوشته‌ی موری لینستر (۱۹۳۴)، یک «توفان زمان» سرزمین‌های موازی زیادی را در هم می‌آمیزد، خرابی‌های فراوان به‌بار می‌آورد و افراد سرزمین‌های مجاور که با معیارهای تاریخی متفاوت اداره می‌شوند را سرگردان می‌کند. یک سن‌فرانسیسکوی روسی، یک ویرجینیای رومی، و اتحاد ایالت‌های جنوبی قرن بیستمی.

داستان «چرخه‌ی زمان»<sup>۲۴</sup> را نیز می‌توان مرتبط با داستان «لغزش زمان» و شکلی فردی از تاریخ بدیل دانست که در آن، زندگی قهرمانان داستان به‌طرزی متفاوت تکرار می‌شود. بهترین نمونه‌ی این ژانر رمان نمایش مجدد<sup>۲۵</sup> برنده‌ی جایزه‌ی جهانی آثار فانتزی<sup>۲۶</sup> نوشته‌ی کن‌گرم وود (۱۹۸۶) است. داستان در ۱۹۸۸ و با مرگ ناگهانی جف وینستون ۴۳ ساله در اثر سکنه‌ی قلبی آغاز می‌شود. اگرچه نخستین جمله‌ی رمان خبر از مرگ او می‌دهد ولی قهرمان اصلی داستان خود اوست. او از خواب مرگ بیدار می‌شود و خود را در ۱۹۶۳ در سن ۱۸ سالگی و در اطاق خوابگاه دانشجویی‌اش می‌یابد اما تمام خاطرات بیست و پنج سال آینده را در ذهن دارد. او این بار انتخاب‌های متفاوتی دارد، خود را اثر و تمدن کرده و آدم خشنودی می‌شود ولی دوباره در سن ۴۳ سالگی می‌میرد و دوباره در جوانی از خواب مرگ برمی‌خیزد و این دفعه خاطره‌ی هر دو دوره‌ی زندگی در ذهنش وجود دارد. با آشکار شدن جنبه‌های پیچیده و روبه‌گسترش رمان، زندگی وینستون هم دائماً تکرار می‌شود و او هر خط زمانی بدیلی که در قدرت تصور اوست تجربه می‌کند تا جایی که حتی یکی از آن‌ها را به خودکشی خود ختم می‌کند.

دیگر آثار تاریخ بدیل پیش از یک «خط زمانی» را به تصویر می‌کشند در حالی که قهرمان اصلی داستان از وجود شخصیت‌های موازی خود بی‌اطلاع است. به‌عنوان مثال *ایالات متحده نوشته‌ی*

دارد. این جا اتفاق افتاد<sup>۲۸</sup> نوشته‌ی کوین براون لو، به کارگردانی خود او و اندرو مالو، به سبک فیلم‌های مستند، حمله‌ی نازی‌ها به بریتانیا را به تصویر می‌کشد، اما این اثر نیز به [علت کیفیت بد] ناشی از بودجه‌ی کم‌اش عملاً نمی‌تواند به‌عنوان یک فیلم مؤثر قلمداد شود.

موضوع سفرهای زمانی که تاریخ را تغییر می‌دهد، مانند سه‌گانه‌ی بازگشت به آینده (۱۹۸۵-۹۰) و بسیاری از بخش‌های سفر فضایی از جمله اپیزود مشهور تلویزیونی شهر در لبه‌ی جاوه‌انگی<sup>۲۹</sup> (۱۹۶۷) و فیلم مسافرت فضایی: اولین برخورد (۱۹۹۶)، به‌سبب قابلیت‌شان برای کنش‌های حرکت برخلاف زمان، در بین فیلم‌های مطرح محبوبیت خیلی بیش‌تری دارند، اما تغییرات حاصل شده در این ماجراها بدون استثناء دوام چندان‌ی ندارند، زیرا قهرمانان مجدداً تاریخ را اصلاح می‌کنند.

نکته‌ی جالب‌توجه این است که دو فیلم درهای کشویی به نویسندگی و کارگردانی پیتر هوویت و بدو لولا، بدو به نویسندگی و کارگردانی تام تاپکور محصول ۱۹۹۸ که هم‌زمان با کتاب ایالات متحد منتشر شد، همان پیامدهای موازی را برای قهرمانان پر مشغله‌ی خود به‌تصویر می‌کشد. راجرت ابرت<sup>۳۰</sup> یکی از منتقدان سینما در خصوص فیلم بدو لولا، بدو می‌گوید چنین داستان‌هایی اصولاً سینمایی هستند و می‌افزاید: «می‌بینیم که لولا می‌دود، بنابراین وجود او را حقیقی می‌دانیم، هر چند خیابان‌هایی که در آن‌ها می‌دود و مردمی را که ملاقات می‌کند در هر داستان تغییر می‌کنند. سال بعد، یک «چرخه‌ی زمانی» موضوع کتاب دوشنبه قرار گرفت؛ کتابی که به اپیزود ماندگار از برنامه‌ی تلویزیونی پرونده‌های محرمانه تبدیل شد. با این وجود، بهترین اثر مبتنی بر چرخه‌ی زمان، روزموش خرما<sup>۳۱</sup> (۱۹۹۳) نوشته‌ی رامیس و دنی رابین است که به کارگردانی هرالد رامیس به تصویر کشیده شد. این داستان بیانگر موضوع تکرار تاریخ است که در آن، یک گزارشگر وضعیت آب‌وهوا در تلویزیون آن‌قدر در روز دوم فوریه برنامه‌ی خود را تکرار می‌کند که به اشراق می‌رسد.

موضوع‌های بسیاری را که دستمایه‌ی آثار تاریخ بدیل قرار

گرفته‌اند می‌توان به‌طور خلاصه در داستان گریگوری بنفورد با نام می‌توانستیم بدتر عمل کنیم یافت؛ اگرچه این تصورات موجب تشویش خواننده می‌شوند اما به او قوت قلب می‌دهند و باعث می‌گردند که او دریاره‌ی زمانه‌ی خود، هر چقدر هم سخت باشد، احساس بهتری داشته باشد. در واقع، انبوهی از آثار تاریخ بدیل تجلی همان شخصیت پانگلو را در زمان هجوآمیز ولتر یعنی کاندید<sup>۳۲</sup> (۱۹۵۷) هستند که علی‌رغم وجود مشکلات فراوان در زندگی، همیشه تکرار می‌کرد «این بهترین روزگار ممکن است».

تاریخ بدیل، همچون تاریخ معمول، مبتلا به نظامی‌گری - دل بستگی به جنگ به‌عنوان وسیله‌ای جهت تغییر تاریخ - است و از حاکمیت تفسیر غلط تاریخدانی چون توماس کارلایل که در سال ۱۸۴۱ می‌گفت: «تاریخ چیزی نیست جز سرگذشت مردان بزرگ» رنج می‌برد. نمونه‌ی هر دو گرایش را می‌توان در مجموعه داستان‌های پسر طرفداری از قبیل جنگجویان بدیل (۱۹۹۳)، فرمانروایان بدیل (۱۹۷۷)، سرداران بدیل (۱۹۹۸) یافت (کتاب‌هایی به‌شدت کلیشه‌ای که البته شامل چند داستان تأثیرگذار نیز هستند). نویسندگان تاریخ بدیل اغلب به این نکته توجهی ندارند که صلح هم به اندازه‌ی جنگ سرنوشت‌ساز است، این‌که زندگی هر روز من و شما هم مانند زندگی ناپلئون و هیتر در تاریخ مهم است.

چرا باید چنین باشد؟ گاهی این فکر به ذهن خطور می‌کند که بعضی از نویسندگان تاریخ بدیل دارای روحیه‌ی نظامی‌اند و در واقع با عقاید کارلایل موافق هستند. نیال فرگوسن، تاریخدان، عقیده دارد که آثار خلاف واقعیت به‌سبب تأکید بر فردگرایی ضرورتاً راست‌گرا و ضدمارکسیستی هستند؛ نه کشمکش بین طبقات سرمایه‌دار. با این وجود، بسیاری از نویسندگان تاریخ بدیل چپ‌گرا هستند. پاسخ مناسب‌تر در این حقیقت ساده نهفته است که تأثیر تاریخ بدیل منوط است به این‌که خواننده بدانند بدیل بودن اصولاً «وجود دارد».

۳۱ Groundhag Day : روز دوم فوریه که به‌عقیده‌ی عوام اگر آتشی باشد نشانه‌ی آن است که از زمستان شش هفته مانده است و اگر ابری باشد نشانه‌ی اوایل بهار است - م.



می دارد:

دان سیدا هرگز لستر بنگز را ملاقات نمی کند. دو دل سوزی ساده در زندگی واقعی و در لحظه‌ی مناسب می توانست هر دوی آنها را نجات دهد، اما وقتی که آن لحظات فرا می رسیدند، آنها کسی را نداشتند، حتی با خودشان نیز بیگانه بودند. بنابراین، در تاریکی فرو رفتند، مانند پاتیناژ با زانی که سطح نورانی و درخشان زندگی واقعی را می شکافتند. امروز این کاغذ سفید رؤیایی را تهیه کردم تا با آن جای خالی آنان را پر کنم.

مهم تر از همه این که، تاریخ بدیل به ما یاد آور می شود همه‌ی ما انسان ها دنیا را تغییر می دهیم.



◀ پی نوشت ها:

1. Alternate History
2. Alternative History
3. Pavane
4. counter factual
5. Counter face fule thought exprieneths in World politics
6. Dhillip E. Tettleek
7. Aeron Belkin
8. Elvis Presely
9. The undis covered
10. William Ssacters
11. Fidel Castro
12. George Herbert Walker Bush (پدر رئیس جمهور فعلی امریکا)
13. Don Bangs
14. Bruce Sterling
15. The Man in the High Castle
16. Hodge Back Marker
17. Camelot (افسانه شاه آرتور) مرلین (ساحری که مشاور آرتور بود)
18. Merlin (افسانه شاه آرتور) مرلین (ساحری که باور آرتور بود)
19. Lest Darkness Fall

قانون غیر قابل تغییر دیگر تاریخ بدیل آن است که اختلاف بین خط زمانی ساختگی و واقعی بایستی برای خواننده مشخص باشد. به عنوان مثال نوشتن تاریخ بدیل درباره‌ی مهاجرت چینی ها به کالیفرنیا در قرن نوزدهم سخت تر از نوشتن تاریخ بدیل درباره‌ی نتیجه‌ی جنگ داخلی امریکاست زیرا کم تر کسی درباره‌ی مورد اول مطلبی می داند. به همین دلیل، ایساک آسیمواف تاریخ بدیل را این چنین توصیف می کند:

«یک نوع داستان که کم تر [نویسنده‌ای] می تواند به طور قابل قبولی از پس آن بر آید. شما باید هر دو زمان را بشناسید و نه تنها باید بتوانید آن را بشناسید بلکه باید واضح و قابل فهم اش کنید. اگرچه داستان های بی شماری درباره‌ی تاریخ نوشته ام اما به توانایی خود در نوشتن تاریخ بدیل ایمان ندارم و هرگز تلاش نکرده ام چنین داستانی بنویسم و هرگز قصد ندارم مبادرت به آن کنم».

بنابراین، عجیب نیست که بسیاری از نویسندگان برای نوشتن تاریخ بدیل، بر جنگ داخلی امریکا، جنگ جهانی دوم، تحولات عمده‌ی دیگر و شخصیت های تاریخی مشهوری چون لینکلن و چرچیل تمرکز کرده اند. اما رمان های علمی تخیلی بی شماری درباره‌ی اصول علمی ناشناخته نوشته و به طور مناسبی شرح داده شده اند و آثار تاریخ بدیل زیادی نیز دنباله روی آنها خواهند بود تا زمینه های جدید یا به عبارتی زمینه های قدیمی نوین را کشف کنند.

بهترین آثار تاریخ بدیل که در این نوشته به بسیاری از آنها اشاره شد، بیش تر از مانورهای جنگی به تلاش افراد اهمیت داده اند زیرا این تلاش ها بوده اند که باعث شده اند کارها به نحوی دیگر صورت گیرد.

در ذهن خواننده، نیمه‌ی ناشناخته‌ی زندگی چنین افرادی حزن انگیز تر از زندگی دیگر شخصیت های ساختگی است چرا که خود ما نیز از طریق اعمال روزمره به خلق و تخریب نسخه های بدیل خود دست می زنیم.

بروس استرلینگ<sup>۳۱</sup> در پایان داستان دوری بنگز صادقانه ترین عبارت را درباره‌ی ضرورت و پوچی این ژانر عجیب بیان

20. L Sprague de camp
21. Parallel World
22. Time Slip
23. Side Wise in Time
24. Time Storm
25. Replay
26. World Fantasy Award
27. Tales of Alvin Maker
28. It Happened Here
29. The City on the Edge of Farever
30. Rager Ebret
31. Bruce Sterling

